مقدمه ای برشاخصها درتقویم اقتصادی *Economic* Calendar

مهمترین این شاخص های جهانی عبارتند از:

- **سفارش كالاهاي بادوام : Durable Goods Orders**

شاخص اقتصادي كه تغييرات حاصله در ميزان فروش كالاهايي با طول عمر بيش از سه سال را نشان ميدهد.

- **ميزان سفارشات كارخانه اي : Factory Orders**

شاخص اقتصادي نشان دهنده كل سفارشات كالاهاي بادوام و بي دوام. كالاهاي بي دوام عبارتند از خوراک،پوشاک،محصولات صنعتي سبک ومحصولاتي كه براي تعمير و نگهداشت محصولات بادوام ضروري هستند.

شروع ساخت مسکن: Housing Starts

از شاخص های مهم اقتصادی که نشان دهنده تعداد پروژه های ساخت مسکن در یک فاصله زمانی معین است.این فاصله زمانی معمولا یک ماهه است.

فروش خانه های نوساز: New Home Sales

تعداد خانه های فروخته شده (New Single Family Homes) در طول یک ماه گذشته را نشان می دهد. افزایش این شاخص نشان از سلامت اقتصاد یک کشور دارد. چه در بخش صنعت و چه در بخش خدمات.

- **شاخص فروش خانه های موجود: Existing Home Sales**

این شاخص بیانگر تعداد کل واحدهای مسکونی فروخته شده به جز ساختمانهای نوساز است. اهمیت این شاخص به خصوص در شرایط بحران مسکن و تردید در مورد نرخ بهره تشدید می شود.

- **شاخص اعتماد مصرف کننده: Consumer Confidence**

این شاخص هم که به صورت ماهانه و بر اساس نظر سنجی از جامعه آماری نمونه تهیه می شود معیاری برای انتظارات و رضایتمندی مصرف کنندگان از فاکتورهای مختلف اقتصادی شامل هزینه های زندگی ، فرصتهای شغلی و تورم و ... محسوب می شود. در این شاخص اعداد بالای صفر نشان دهنده رضایتمندی مثبت و اعداد زیر صفر نشان دهنده رضایتمندی منفی است.

Consumer Confidence Index

شاخص ضریب اطمینان مصرف کننده-شاخصی که میزان خوش بینی مصرف کننده را نسبت به وضعیت اقتصادی حال و آینده نشان می دهد.این شاخص که در سال 1985 به طور قراردادی برمبنای 100 وضع گردید بر اساس نظرسنجی از 5000 خانوار تهیه می گرددو نظر آنان را در باره وضعیت فعلی اقتصاد و پیش بینی آنهارا از وضعیت آینده اقتصادی جویا می گردد.این شاخص به طور دقیق و مستمر مورد توجه تحلیلگران و کارشناسان اقتصادی است زیرا آن را از جمله شاخص های پیشرویی می دانند که می تواند سلامت آینده اقتصادی را نشان دهد

- **Construction Work Done – Australia :**

از شاخص های اقتصادی استرالیا و نشان دهنده ارزش کل تمام ساخت و سازهایی که کار ساخت آنها طی ماه گذشته به پایان رسیده است.

- **Personal Consumption Expenditure :**

- هزینه مصارف شخصی-از شاخص های اقتصادی امریکا

- هزینه ای که مصرف کنندگان ماهانه برای کالاهای بادوام وکالاها و خدمات مصرفی می پردازند.

- **شاخص خرید شرکتها ISM Manufacturing PMI :**

عبارت است از تغییر در بهای خدمات خریداری شده توسط شرکتها.زمان اعلام این شاخص هر 25 روز یکبار است.این شاخص ,شاخص خوبی برای اندازه گیری تورم است.زیرا اگر بنگاهها پول بیشتری برای خرید خدمات صرف کنند، اضافه قیمت را به مصرف کننده انتقال می دهند.

- **شاخص ساختمان سازی استرالیا AIG Construction Index :**

تغییر در ارزش کل پروژه های ساختمانی انجام شده با لحاظ تورم را شامل شده و به صورت فصلی و60 روز پس از پایان فصل اعلام می گردد. این شاخص سنجش خوبی از بازار ساخت و ساز در اختیار ما قرار می دهد. می دانیم که ساخت و ساز تاثیر بسزایی در بخش استخدام و مخارج دارد.

- **شاخص واردات آلمان German Import Prices m/m :**

عبارت است از تغییر در ارزش کالاهای وارد شده به کشور .این شاخص به صورت ماهانه و 26 روز پس از پایان ماه اعلام می گردد. این داده اطلاعاتی را راجع به وضعیت تورم مصرف کنندگان و تولیدکنندگان بخصوص انها که به کالاهای وارداتی وابسته هستند، در اختیار ما میگذارد.

- **شاخص نفت خام آمریکا Crude Oil Inventories :**

تغییر در تعداد بشکه های نفت خام موجود در دارایی های شرکتهای تجاری در طی هفته گذشته را اعلام مینماید.این شاخص 4 روز پس از پایان هفته اعلام می شود.این شاخص روی قیمت محصولات نفتی تاثیر میگذارد که تورم را تحت تاثیر قرار میدهد ضمن اینکه در عین حال روی رشد اقتصادی تاثیر میگذارد زیرا بسیاری از صنایع برای تولید کالا به نفت نیاز دارند.

شاخص PPI Producer price index:

این شاخص تغییرات قیمت کالاها و مواد خام خریداری شده توسط کارخانجات را نشان می دهد (تورم در سطح تولید کننده) که به صورت ماهانه ارائه می شود.از آنجایی که این شاخص زود تر از شاخص قیمت مصرف کننده (CPI)منتشر می شود یک شاخص پیشرو محسوب شده و برای معاملگران ارز اهمیت ویژه ای دارد .

بطور خلاصه افزایش در شاخص PPI منجر به افزایش در شاخص CPI (تورم)مي گردد و افزايش CPI بر تصميمات بانك مركزي جهت افزايش نرخ بهره اثر مستقيم دارد.بنابراين هر چقدر شاخص PPI نسبت به پيش بيني ها افزايش يابد انتظار تقويت ارز وجود دارد.

تورم Inflation

- تورم وضعيتي است كه سطح عمومي قيمتها، به طور مداوم و به مرور زمان افزايش مي‌يابد. يك نكته حائز اهميت در تعريف تورم عنصر زمان و تداوم افزايش سطح عمومي قيمتهاست.بدين معنا كه قيمتها بايد به صورت مداوم در طي زمان افزايش داشته باشد. اگر قيمتها در يك دوره خاص افزايش يابند و سپس اين روند صعودي قطع شود به اين فرآيند تورم اطلاق نمي شود، چرا كه افزايش صعودي در قيمتها بايد تداوم داشته باشد.

- تورم را بر مبناي درجه شدت تورم مي توان به سه دسته تقسيم نمود. در زير به اين دسته‌بندي و تعريف هر يك اشاره مي نمائيم:

- **الف) تورم خفيف:**

اين نوع تورم كه از آن به نام تورم خزنده هم ياد مي شود، به افزايش ملايم وبطئي قيمتها در طول زمان اطلاق مي شود.اين نوع تورم معمولا افزايش و رشد قيمتها را به صورت يك رقمي در سال در پي دارد.

- **ب) تورم شديد:**

در اين نوع تورم كه از آن بنام تورم تازنده ياد مي شود، آهنگ رشد قيمتها شديد مي باشد.البته ضابطه خاصي براي تعيين دامنه اين نوع تورم وجود ندارد وليكن مي توان رشد قيمتها را بيش از 10درصد به عنوان تورم شديد تلقي نمود.

- **ج) تورم بسیار شدید:**

در این نوع تورم رشد قیمتها بسیار سریع ولجام گسیخته است.معمولا رشد قیمتها را در حدود 50 درصد به بالا در ماه به عنوان تورم بسیار شدید یا ابر تورم نامگذاري مي نمايند.


بررسی
شرکت
بررسی
صنعت
تحلیل
بنیادی
ارزشگذاری
سهم
شرایط
اقتصادی

تحلیل صنعت چیست؟

- صنایع نیز مانند بازار از طریق مطالعه داده‌هایی همچون فروش، سود سهام شرکت‌ها، سود تقسیمی، ساختار سرمایه، خطوط تولید، قوانین و... مورد تجزیه‌وتحلیل قرار می‌گیرند.
مرحله دوم تحلیل بنیادی به بررسی موارد ذکرشده در صنایع می‌پردازد. هدف از این بررسی، تعیین موقعیت فعلی صنعت و روند رشد آن در آینده است. سهامداران بیشتر تمایل به سرمایه‌گذاری در صنایعی دارند که رو به رشد هستند و البته سودآوری مطلوبی دارند

لزوم تحلیل صنایع

- وضعیت صنایع، تأثیر قابل‌توجهی بر نحوه فعالیت شرکت دارد. اگر وضعیت صنعت مطلوب نباشد، بهترین سهام موجود در این صنعت نیز نمی‌تواند بازه مناسبی داشته باشد. در حقیقت سهام ضعیف در صنعت قوی، بهتر از سهام قوی در صنعت ضعیف است.
- سرمایه‌گذاری که تشخیص می‌دهد اقتصاد و کلیت بازار برای سرمایه‌گذاری جذاب است، باید دست به تحلیل صنایعی بزند که در آن‌ها فرصت‌هایی برای آینده دیده می‌شود.

تجزیه‌وتحلیل صنایع به روش مایکل پورترMichael Porter

- مایکل پورتر یکی از نظریه‌پردازان مدیریت و سرمایه‌گذاری، روشی را برای بررسی و ارزیابی صنایع ارائه کرده است که بر اساس آن صنایع از دو دیدگاه کلی قوانین و مقررات و تحولات تکنولوژیکی، موردبررسی قرار می‌گیرد.


۱
موانع ورود
به صنعت
۲
قدرت چانه‌زنی
خریداران
۳
قدرت چانه‌زنی
تأمین‌کنندگان
مواد اولیه
۴
تهدید کالاهای
جانشین
۵
رقبای صنعت
مدل پنج‌گانه پورتر

در تحلیل به شیوه پورتر، کافی است عوامل و پارامترهای زیر را در صنعت خاصی تجزیه‌وتحلیل کنیم.

- موانع ورود به صنعت
- قدرت چانه‌زنی رقبا (تهدید رقبای تازه‌وارد)
- قدرت چانه‌زنی تأمین‌کنندگان مواد اولیه
- تهدید کالاهای جانشین
- رقبای صنعت

نتایج حاصل از این ارزیابی به تحلیلگر در انتخاب صنعت و برآورد وضعیت موجود (فعلی) آن کمک می‌کند.

مدل پورتر در صنعت فولاد

موانع ورود به صنعت

ازجمله موانع ورود به صنعت می‌توان به مواردی زیر اشاره کرد:

- حجم سرمایه‌گذاری بالا
- سرعت پایین برای انجام پروژه‌ها
- زمان‌بر بودن آن‌ها

تعداد رقبای موجود در صنعت

ازجمله مهم‌ترین شرکت‌هایی که رقبای موجود در صنعت به شمار می‌آیند، می‌توان به شرکت‌های زیر اشاره کرد:

- فولاد مبارکه
- فولاد خوزستان
- فولاد خراسان
- فولاد هرمزگان
- فولاد ارفع

قدرت چانه‌زنی خریداران

- با توجه به دامنه وسیع خریداران در این صنعت، قدرت چانه‌زنی آن‌ها ضعیف است. میزان مصرف محصولات بالا است و تقاضا برای آن زیاد است. لذا قدرت چانه‌زنی خریداران پایین است.

تهیه کالاهای جانشین

- در خصوص کالاهای جانشین برای محصولات فولادی، می‌توان به محصولات آلومینیومی و همچنین لوله‌های پلاستیکی به‌جای لوله‌های فولادی اشاره کرد.

قوانین و مقررات

ازجمله قوانین و مقررات وسیعی که بر صنعت فولاد تأثیرگذار است، می‌توان به موارد زیر اشاره کرد:

- قوانین و مقررات مربوط به تعرفه واردات و صادرات کالا
- قوانین مربوط به نحوه قیمت‌گذاری کالاها
- قوانین مربوط به نرخ ارز تخصیصی
- قوانین مربوط به بودجه سالیانه کشور
- قوانین مربوط به معادن و بهره‌های مالکانه

معیارهای ارزیابی صنایع،درتحلیل بنیادی

- **وضعیت عرضه و تقاضا در صنعت**

فشار عرضه و تقاضا در صنعت موردنظر چه در حال حاضر و چه پیش‌بینی آن برای آینده، ازجمله موارد حائز اهمیت است. این عوامل نشان‌دهنده آن است که صنعت، مورد اقبال خریداران و سرمایه‌گذاران قرار دارد یا خیر.
اگر صنعت با فشار تقاضا (مازاد تقاضا برای سرمایه‌گذاری و خرید نسبت به عرضه) مواجه باشد، احتمال کاهش قیمت به دلیل اصل تعادل در بازار و متعادل بودن عرضه و تقاضا، وجود دارد. درنتیجه صنعت در وضعیت فعلی برای ورود سرمایه‌گذار مناسب نیست. چنانچه فشار عرضه در صنعت وجود داشته باشد یعنی فروشنده بیشتر از خریدار باشد قیمت در سطح پایینی قرار دارد و بازهم طبق اصل تعادل در بازار، قیمت، روند صعودی پیداکرده و صنعت برای ورود مناسب است.

- **نرخ رشد صنعت**

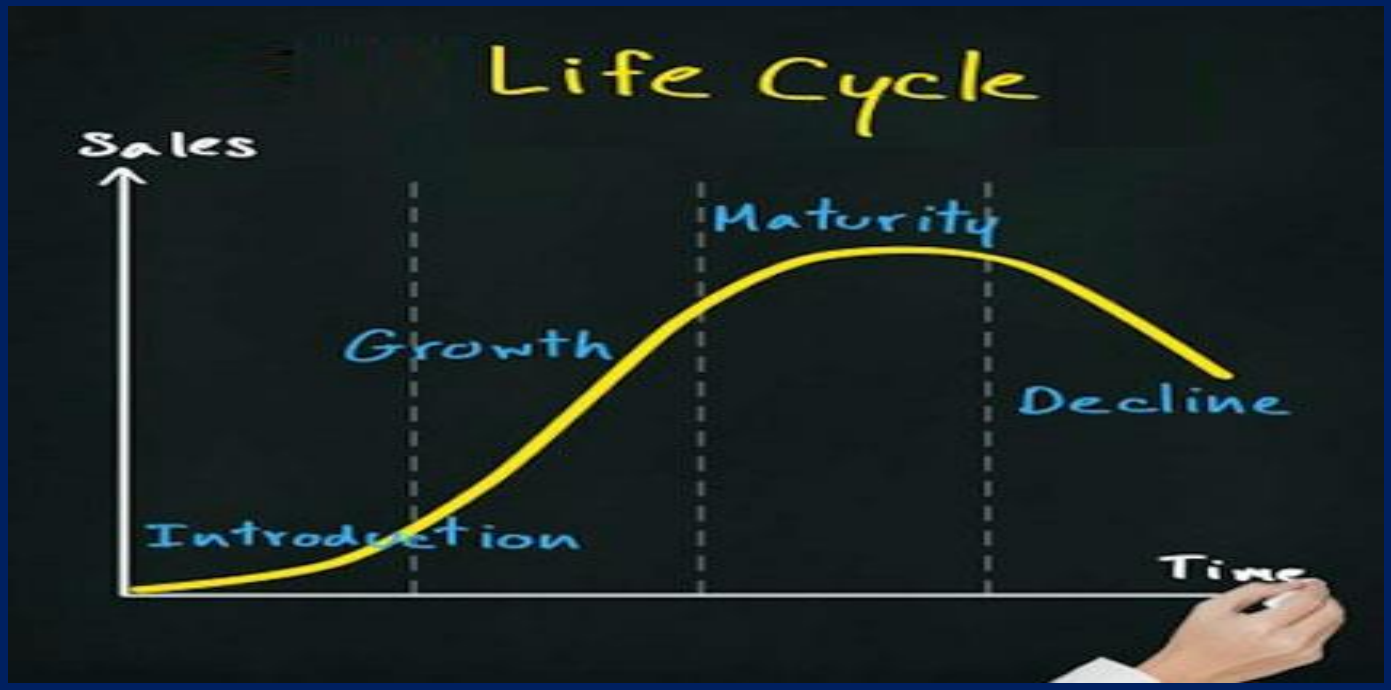
در تحلیل بنیادی، نرخ رشد صنعت‌های مختلف را بررسی و با یکدیگر مورد مقایسه قرار می‌دهیم. مسلماً صنعتی که نرخ رشد بیشتری دارد پیش‌بینی روند آینده آن را تحت تأثیر قرار داده و برای ورود مناسب‌تر است. اگر یک یا چند نماد یا شرکت در یک صنعت به‌صورت عمومی رشد داشته باشند، گفته می‌شود روند قیمتی صنعت افزایشی است.
البته ممکن است در بازه‌های زمانی هم کاهش قیمت دیده شود، اما برآیند نوسان قیمتی آن افزایشی است و اگر یک یا چند شرکت در یک صنعت با کاهش عمومی قیمت‌ها مواجه باشند، گفته می‌شود روند قیمتی صنعت کاهشی است.

- **اهمیت صنعت موردنظر**

اینکه صنایع مختلف ازنظر کلی در اقتصاد کشور چه جایگاهی دارند، برای ورود به سرمایه‌گذاری و پیش‌بینی آینده صنعت حائز اهمیت است. بررسی این موضوع که اهمیت کدام‌یک از صنایع برای کل بازار و کشور بیشتر است، در پیش‌بینی اقبال خریداران و سرمایه‌گذاران نسبت به آن تأثیرگذار است.

- **چرخه عمر صنعت**

اینکه صنعت موردنظر در کدام‌یک از مراحل چرخه عمر خود قرار دارد، اهمیت تعیین‌کننده‌ای در پیش‌بینی نرخ رشد آینده صنعت دارد.



- صنعتی که در مرحله بلوغ خود قرار دارد، روند آینده آن رشد چشمگیری نخواهد داشت و رو به نزول خواهد شد اما در مقابل صنعتی که در مرحله رشد قرار داشته و در ابتدای فعالیت است و هنوز به بلوغ نرسیده، روند رشد آن در آینده با افزایش همراه خواهد بود.
- زمانی که سرمایه‌گذار تشخیص می‌دهد شرایط اقتصاد و بازار برای سرمایه‌گذاری مناسب است به تحلیل صنایعی می‌پردازد که برای سال‌های آینده فرصت دارند. در ادامه همین مطلب به توضیح بیشتری در خصوص این عامل خواهیم پرداخت.
- در چرخه عمر با ۴ دوره کلی مواجه هستیم: دوره معرفی، دوره رشد، دوره بلوغ و دوره افول

- **نحوه قیمت‌گذاری محصولات**

نخستین عاملی که بر قیمت سهام شرکت‌های فعال در یک صنعت تأثیر مستقیم دارد، نحوه قیمت‌گذاری محصولات آن صنعت است. معمولاً قیمت محصولات در یک صنعت بر اساس چند عامل تعیین می‌گردد که از آن جمله می‌توان به سیاست‌های دولت و میزان عرضه و تقاضا در بازار اشاره کرد.

- **میزان عرضه و تقاضا برای محصولات**

یکی از عوامل بااهمیت مرتبط با صنعت، میزان عرضه و تقاضا برای محصولات شرکت‌هایی است که در آن صنعت در حال فعالیت هستند. به‌عنوان‌مثال، رونق صنعت ساختمان‌سازی می‌تواند باعث افزایش تقاضا برای مصالح ساختمانی ازجمله سیمان شود و این افزایش تقاضا هم به دلیل تأثیر مستقیمی که بر میزان فروش و سودآوری شرکت‌های سیمانی دارد، افزایش قیمت سهام این شرکت‌ها را در بورس به دنبال خواهد داشت.

- **رقابتی یا انحصاری بودن صنعت**

هر چه شرکت‌های موجود در صنعت، انحصاری‌تر باشد، امکان سودآوری آن‌ها بیشتر است. چراکه به علت نبود رقیب، تولیدکننده می‌تواند هر قیمتی که مدنظر خود است، برای محصول خود تعیین کند.

واضح است با ورود رقبای جدید به صنعت و افزایش میزان رقابت در آن، از میزان انحصار شرکت‌ها کاسته شده و سودآوری آن‌ها نیز کاهش می‌یابد؛ بنابراین لازم است سرمایه‌گذار قبل از خرید سهام یک شرکت، وضعیت حال و آینده صنعت را ازنظر میزان انحصار، ورود رقبای جدید و تأثیر آن بر قیمت سهام شرکت‌های آن صنعت، به‌طور کامل بررسی کند.

- **حجم سرمایه‌گذاری در صنعت**

میزان سرمایه‌گذاری‌های صورت گرفته و جهت‌گیری دولت و بخش خصوصی در زمینه یک صنعت تا حدود زیادی چشم‌انداز آینده صنعت را مشخص می‌کند و به سرمایه‌گذاران در تصمیم‌گیری برای خرید یا فروش سهام شرکت‌های فعال در آن صنعت کمک کند. هراندازه حجم سرمایه‌گذاری‌ها در یک صنعت بیشتر باشد، به این معناست که انتظار سودآوری در آن صنعت بیشتر است.

▣ وضعیت صنایع مرتبط

هرگونه تغییر در وضعیت اقتصادی صنایعی که به‌نوعی با صنعت موردنظر ارتباط دارند، بر قیمت سهام شرکت‌های فعال در آن تأثیرگذار است.

به‌عنوان‌مثال رکود یا تورم در صنایع تأمین‌کننده مواد اولیه صنعت موردبررسی، حتماً بر قیمت محصولات آن تأثیرگذار است. رکود یا رونق در صنعت فولاد بر قیمت محصولات و سهام شرکت‌هایی که مواد اولیه آن‌ها از صنایع فولادی تأمین می‌گردد، تأثیرگذار است.

- **تحولات فناوری**

سرعت تغییر فناوری در صنایع، از دیگر عوامل اثرگذار بر قیمت سهام شرکت‌های موجود در آن است. به‌عنوان‌مثال سرعت تغییرات فناوری در صنعت ارتباطات نسبت به صنعت سیمان بیشتر است.
هراندازه سرعت تغییرات فناوری در یک صنعت بیشتر باشد، میزان تغییرات قیمت سهام شرکت‌های فعال در آن صنعت بیشتر خواهد بود.
از سوی دیگر این مسئله حائز اهمیت است که صنعت موردبررسی و شرکت‌های موجود در آن توانایی انطباق سریع با تغییرات فناوری را دارد یا خیر. تحولات تکنولوژیکی می‌تواند با تأثیر بر میزان تولید، کیفیت محصولات، هزینه‌های تولید و آلایندگی محیطزیست بر روند آینده شرکت‌های موجود در یک صنعت، تأثیر بگذارد.

عوامل تعیین‌کننده مطلوبیت صنایع برای انتخاب سرمایه‌گذاری

۱- روبه رشد بودن تقاضا برای محصولات آن صنعت

۲- برخورداری از مزیت نسبی به‌گونه‌ای که انواع محصولات مشابه خارجی نتوانند تهدید جدی برای نفوذ در بازار محصول به‌حساب آیند. به‌عنوان‌مثال مواد اولیه ارزان، نیروی کار ارزان و ماهر و درنتیجه تولید با هزینه کمتر.

۳- محدود بودن کالاهای جانشین برای محصولات صنعت؛ هر چه تعداد کالاهای قابل جانشینی محدودتر باشد، موقعیت بازار آن صنعت قوی‌تر است.

۴- وابستگی کم به مواد اولیه خارجی (وارداتی) و پایین بودن میزان نیاز به ارز؛ با توجه به نوسان پذیری درآمدهای ارزی کشور، صنایعی می‌توانند ثبات تولید بیشتری داشته باشند که وابستگی آن‌ها به ارز کمتر باشد. این صنایع حتی در صورت کمبود ارز هم قادر به ادامه فعالیت خود هستند.

۵- ثبات فروش و سودآوری؛ صنایعی که کالاهای مصرفی تولید می‌کنند، دارای ثبات بیشتری در رویه فروش و سودآوری نسبت به صنایعی که کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای تولید می‌کنند، هستند. لذا ریسک سرمایه‌گذاری در سهام شرکت‌های تولیدکننده کالاهای مصرفی کمتر از سهام شرکت‌های تولیدکننده کالاهای واسطه‌ای و سرمایه‌ای است.

۶- استراتژیک بودن محصولات صنعت؛ بعضی از صنایع، محصولاتی تولید می‌کنند که دولت برای آن‌ها الویت بیشتری قائل است؛ بنابراین تداوم تولید این محصولات موردحمایت دولت قرار می‌گیرد. این حمایت‌ها باعث می‌شود که حتی در وضعیت کمبود ارز، این صنایع امکانات لازم را به دست آورده و به تولید خود ادامه دهند.

مراحل تجزیه‌وتحلیل صنایع

تجزیه‌وتحلیل صنایع شامل ۳ مرحله اصلی است:

- **چرخه عمر صنعت**
- **بررسی چرخه تجاری صنعت**
- **بررسی جنبه‌های کیفی صنعت**

چرخه عمر صنعت چیست؟

- هر صنعت دارای سیکل عمری است که در هرلحظه دریکی از مراحل آن قرار دارد. این مراحل ویژگی‌ها و نقاط ضعف و قوت ویژه‌ای داشته و بیان‌کننده وضعیت موجود صنعت است. با توجه به اینکه صنعت موردبررسی در آینده در کدام مرحله در چرخه عمر خود قرار می‌گیرد، تصمیم‌های مختلفی نسبت به آن می‌توان اتخاذ نمود. مراحل چرخه عمر صنعت شامل؛ مرحله معرفی، مرحله توسعه و درنهایت مرحله تثبیت است.

نمودار چرخه عمر صنعت

